

ایران در جنگ بین‌المللی اول

نوشته عبدالرضا هوشنگ مهدوی

در سوم اوت ۱۹۱۴ جنگ بزرگی که از مدت‌ها قبل مقدمات آن فراهم شده بود میان دول
اتفاق مثلث یعنی انگلستان و فرانسه و روسیه با دول مرکزی اروپا یعنی امپراطوری آلمان و
امپراطوری اتریش و مجارستان آغاز گردید. به تدریج دولتهای بلژیک - صربستان - ژاپن
رومانی - ایتالیا - ایالات متحده آمریکا - یونان و پرتغال و چند کشور دیگر به دول اتفاق
مثلث پیوستند و دولتهای عثمانی و بلغارستان نیز به صف دول اروپای مرکزی ملحق شدند و
جنگ کامل جنبه جهانی پیدا کرد. قتل ولیعهد اتریش به دست یک میهن پرست صرب بهانه
شروع جنگ بود ولی علت اصلی آن تضاد منافع استعماری دول بزرگ بود که از پیشرفتهای
نظامی و سیاسی و صنعتی آلمان و اتریش و نقشه‌هایی که دول مزبور جهت دست اندازی به مستعمراتشان
داشتند احساس خطر نموده مقدمات شروع جنگ را فراهم کرده بود.

در ۱۲ ژوئیه ۱۹۱۴ یعنی درست سه هفته قبل از آغاز جنگ بین‌المللی احمدشاه که به سن
۱۸ سالگی رسیده بود تاجگذاری کرد و ناصرالملک نایب‌السلطنه به اروپا رفت. بلافاصله پس
از آغاز جنگ نیز دولت ایران بی‌طرفی خود را اعلام نموده و پانزده روز بعد مستوفی‌الممالک
که مشهور به پیروی از سیاست بی‌طرفی بود به نخست‌وزیری منصوب شد و دوره سوم مجلس
شورای ملی در اول نوامبر ۱۹۱۴ افتتاح گردید. در این مجلس دو حزب دموکرات و اعتدالیون
بایکدیگر رویه رو بودند. دموکراتها عقیده داشتند که دولت ایران باید مانند دولت عثمانی بر
له آلمان و علیه روسیه و انگلستان وارد جنگ شود ولی اعتدالیون معتقد بودند دولت ایران
باید با حفظ بی‌طرفی گرفتاری‌های روسیه و انگلستان را مقنن شمرده عملاً به مرور خود را از
تحت نفوذ خارجی درآورد. مستوفی‌الممالک بدون توجه به این برخورد عقاید کوشش می-
کرد به هر قیمتی شده بی‌طرفی ایران را حفظ کند ولی در این کار توفیقی نیافت و خاک کشور ما
صحنه جنگ و منازعه بین نیروهای متخاصم گردید و ارتشهای روسیه - انگلستان و عثمانی در
خاک ایران بایکدیگر روبرو شده شهرها را غارت نموده و آتش زدند و وعده زیادی از مردم بیگناه
در این میان کشته شدند.

در این هنگام وجود هفت هزار سرباز روسی که در دونوبت به عنوان حفظ جان و مال اتباع روسیه وارد ایران شده بودند به علاوه نگهبانان مسلح سفارت و کنسولگریهای روسیه که خود قابل توجه بود دولت عثمانی را به شدت نگران کرده و بعنوان این که قوای مزبور خطری برای سرحدات شرقی آن کشور به شمار می روند در نوامبر ۱۹۱۴ رسماً به دولت ایران تذکره دادند که اگر قشون روسیه خاک ایران را تخلیه نکند ارتش عثمانی وارد خاک ایران خواهد شد تا از حملات دشمن بر علیه خود جلوگیری نماید. دولت ایران به دولتین روسیه و انگلستان اعلام کرد که بی طرفی آنرا محترم شمرده قوای خود را خارج سازند ولی دو دولت همسایه زورمند نه تنها اعتنائی به این حرف ننمودند بلکه برعکس بر تعداد نیروهای خود افزودند، در اوایل دسامبر هفتاد هزار سرباز روسی به فرماندهی ژنرال باراتوف (۱) نواحی شمالی و غربی ایران به خصوص نزدیک سرحدات عثمانی را اشغال و مرکز ستاد خود را در شرفخانه واقع در ساحل دریاچه رضائیة قراردادند و لوازم و مهمات جهت کمک به قوای انگلستان که از جانب بصره به بین النهرین حمله کرده بود فراهم نمودند.

در دسامبر ۱۹۱۴ نیروهای دولت عثمانی وارد خاک ایران شده و در حوالی تبریز با قوای روسیه مصادف گردیدند و تبریز را که بی دفاع بود آتش زده روسها را مجبور به عقب نشینی کردند از جانب دیگر انگلیسها هم یک تیپ نیرو به بحرین فرستادند و قوای آنان به فرماندهی ژنرال سر آرتور بارت (۲) ترکهارا در ساحل شط العرب شکست داده و در ۲۳ نوامبر ۱۹۱۴ بصره را تصرف نمودند. انگلیسها برای محافظت پالایشگاههای نفت جنوب ایران یک تیپ انگلیسی به خوزستان فرستادند، نیروی ترکها در خوزستان که در حدود ۱۲ هزار نفر بودند در حوالی اهواز یا انگلیسها روبه روبرو شده ولی مقاومتی از خود نشان نداد، به منقصر کردن لوله های نفت اکتفا نمودند و انگلیسها توانستند نواحی جنوبی خوزستان را تصرف کرده به سوی شمال روانه شوند منظور اصلی انگلیسها جلوگیری از عبور قشون عثمانی از خاک ایران به طرف افغانستان بود و عقیده داشتند که اگر به تصرف بصره و آبادان و اهواز قانع شده و دفاع از ایران را به روسها واگذار کنند عثمانیها به آسانی خواهند توانست آنها را شکست داده قشون خود را به افغانستان برسانند و به محض رسیدن قوای ترک با فرمان آلمانی به افغانستان دیگر مجال است آنسان بتوانند کنترل خود را بر آن کشور که احساسات عمومی مردم شدیداً با آنها مخالف است حفظ نمایند. در این موقع پادگانهای انگلیسی در هندوستان هم چندان قوی نبودند و در آن کشور هم شورشهایی به وقوع پیوسته و احتمال قوی وجود داشت که اگر سپاه ترک به محبت سپاه افغان به هند حمله ببرند تولید مشکلات فراوان برای امپراطوری انگلیس بنمایند.

با توجه به مراتب مزبور ژنرال سر جان نیکسون (۳) در اوایل سال ۱۹۱۵ به جانشینی ژنرال بارت منصوب و فرماندهی دولشگر انگلیسی و هندی مقیم خوزستان را بعهده داشت یک لشکر خود را به فرماندهی ژنرال سر جرج گودپنج ماه و عقب راندن ترکها از خاک ایران کرد و نامبرده پس از یک سلسله عملیات نظامی سخت توانست ترکها را به طرف بین النهرین عقب بنشانند و مناطق نفت خیز را از خطر حفظ نماید. انگلیسها اقدام به ترمیم و تعمیر لوله های

نفت کردند و استخراج نفت که برای بحریه انگلستان ارزش حیاتی داشت کماکان ادامه یافت . از جانب دیگر نیروهای ژنرال بارداتوف که در تبریز شکست خورده و به جلفا عقب نشینی کرده بودند توانستند در ژانویه ۱۹۱۵ ترکها را در حوالی جلفا شکست بدهند و در ۳۰ ژانویه ۱۹۱۵ تبریز را پس بگیرند . جنگ با ترکها در رضاییه سخت تر بود ولی سرانجام روسها به کمک آسوریاها توانستند در بهار ۱۹۱۵ رضاییه را مجدداً متصرف شده تادریاچه وان پیش ببرند و موقتاً خطر را از مرزهای خود دور سازند .

فعالیت آلمانها در ایران - در آغاز جنگ بین المللی اول احساسات قاطبه مردم ایران موافق با آلمانها بود و مردم امیدوار بودند بتوانند به کمک این دولت نیرومندی که قادر به مقابله با دولت‌های استعماری بود خود را از دست دو همسایه زورگو و متجاوز نجات دهند. در میان ایرانیان یک بغض و عداوت آمیخته به خوف و ترس نسبت به روسها وجود داشت و در مورد انگلیسها هم که متفق آنان و در قرارداد تقسیم ایران شریک بودند نظیر این احساسات وجود داشت .

با وجود این دولت ایران کوشش می کرد بی طرفی خود را به هر قیمتی شده حفظ نماید در آن موقع ارتش ایران فقط مرکب از بریگاد قزاق تحت فرماندهی افسران روسی مرکب از هشت هزار نفر و ژاندارامری تحت فرماندهی افسران سوئدی در حدود هفت هزار نفر بود و نیروی دریایی و هوایی اصلاً وجود نداشت . با این قشون مختصر و نامنظم که آن هم در اختیار خارجیان بود دولت ایران هرگز قادر نبود از تجاوزات بیگانگان به خاک خود جلوگیری نماید و به ناچار فقط به اعتراض به دول خارجی اکتفا می کرد .

با شروع جنگ تبلیغات آلمانها در ایران بر علیه روسیه و انگلستان شدت یافت . هدف اصلی آلمانها این بود که ایران را که دومین دولت مستقل اسلامی به شمار می رفت در جوار امپراطوری عثمانی بر علیه روسیه و انگلستان وارد جنگ کند و هر گاه این موضوع عملی می شد قسمت اعظم دنیای اسلام به نفع آنها و بر علیه روسها و انگلیسها وارد جنگ شده و در نتیجه اتحاد با افغانها و ایجاد طغیان و آشوب در هندوستان ممکن بود بتواند شریان حیاتی امپراطوری انگلستان را قطع نمایند . نقشه عملیات آلمانها در ایران شامل دو قسمت بود اولاً اعمال و نمایندگان آلمان با پولهای هنگفت و اسلحه و مهمات فراوان مأمور بودند عشایر را تحت سلاح در آورده و در سراسر کشور علیه انگلیسها و روسها آشوب و شورش به پا کنند . ثانیاً کلیه اتباع روسیه و انگلستان مقیم ایران را اخراج و سپس دولت مرکزی را وادار به ورود در جنگ در صفت خود نمایند .

در ماه ۱۹۱۵ پرنس هانری دوریس (۱) وزیر مختار آلمان به اتفاق کنت لگوتتی وزیر مختار اتریش و عده ای افسر و مبالغ زیادی پول طلا وارد تهران شدند و اسرای آلمانی و اتریشی را که از زندان روسها فرار کرده بودند در سفارتخانه های خود جمع آوری و محوطه سفارت را به صورت اردوگاه نظامی در آورده که در آن افراد ایرانی و اروپایی مشغول تمرین بودند.

در مارس ۱۹۱۵ و اسموس کنسول آلمان در بوشهر موفق شد عنایر تنگستانی و قشقای را با خود همراه کند و با کمک ژاندارمری که تحت فرمان افسران سوئدی طرفدار آلمان بود ضربات شدیدی به نیروهای انگلیسی و هندی مقیم فارس وارد سازند. و اسموس توانست کنسولگری انگلیس در شیراز را اشغال و کلیه اتباع انگلیسی را دستگیر نموده و تقریباً سراسر ایالت فارس را تحت فرمان و نفوذ خود درآورد.

در اصفهان نیز قوای ژاندارمری شهر را متصرف شده کنسولبار روسیه را مقتول و کنسول انگلیس را زخمی کردند و تمام اتباع روسی و انگلیسی و هندی را از آن شهر اخراج نمودند. این اقدامات باعث شد که دولت مرکزی دوائر فشار روسها و انگلیسها دستور احضار قوای ژاندارمری را از فارس صادر کرد. در نوامبر ۱۹۱۵ بحران به تهران هم سرایت کرد و روسها که نیروی تازه نفس در آنزلی پیاده کرده بودند برای خاتمه دادن به فعالیت آلمانها و اتریشها به سوی تهران روانه شدند و پایتخت را محاصره نمودند. عاصم بیگ سفیر کبیر عثمانی که به عزم شکار از شهر خارج شده بود به دست روسها افتاد و قزاقهای روسی آماده اشغال تهران گردیدند.

در این موقع پرنس رویس وزیر مختار آلمان مستوفی الممالک را تشویق می کرد که قبل از اشغال تهران شاه و دولت به اصفهان مهاجرت کنند و خودش هم به اتفاق وزیر مختار اتریش و عده ای از رهبران دمکرات و رجالی که با سیاست روسیه و انگلیس مخالف بودند به قم عزیمت کرد. در ۱۵ نوامبر یک آزمایش زور آزمایی بین متخصصین در تهران صورت گرفت انگلیسها به احمد شاه که عازم حرکت از تهران بود پیغام دادند که در صورت ترک پایتخت تخت و تاج خود را از دست خواهد داد. در نتیجه این تهدید احمد شاه از عزیمت صرف نظر کرد و به فشار روسها که پایتخت را اشغال کرده بودند عین الدوله صدراعظم زمان استبداد را به نخست وزیری منصوب نمود. از این تاریخ اوضاع ایران به نفع متفقین تغییر کرد.

تشکیل دولت طرفدار آلمان در کرمانشاه - مهاجرین قم دامرکز ستاد خود قرارداد به کمک و ذرای مختار آلمان و اتریش اقدام به تأسیس کمیته ملی نمودند. در دسامبر ۱۹۱۵ دستون از نیروهای روسی به آنها حمله بردند و نیروی مهاجرین را در جاده قم و همدان شکست داده متواری کردند. پس از این پیروزی بلافاصله بین دولت های روسیه و انگلستان موافقتنامه ای به امضاء رسید که به موجب آن منطقه بی طرف که دو قرارداد ۱۹۰۷ متعلق به دولت ایران ساخته شده بود به منطقه نفوذ انگلستان افزوده شد و در مقابل دست روسیه در منطقه نفوذ خود در شمال به کلی بازگذاشته شد و ضمناً مقرر گردید دولت روسیه هر قسمت از خاک عثمانی را که بتواند متصرف شود و به فکر خود منضم نماید.

این باد مهاجرین به اتفاق و ذرای مختار آلمان و اتریش به کرمانشاه رفتند و در آن شهر که تحت تصرف قوای عثمانی بود حکومت موقتی به ریاست نظام السلطنه مافی حاکم کرمانشاه تشکیل دادند. حکومت مهاجرین با جمع آوری مجاهدین و عنایر طرفدار آلمان توانست قشونی در حدود چهار هزار نفر تشکیل دهد که با کمک افسران آلمانی وارد عملیات بر علیه

روسها و انگلیسها شوند. در این زمینه ماهه‌های بین نظام السلطنه و فلد مارشال فون در گولتز (۱) فرمانده کل قوای آلمان و عثمانی منعقد گردید و در ۱۶ نوامبر ۱۹۱۶ فلد مارشال آلمانی با ستاد خود وعده‌ای از قوای ترک وارد کرمانشاه شده و افسران آلمانی مشغول تعلیم دادن سربازان ایرانی گردیدند.

اما دولت مرکزی در مقابل فشار دولت بزرگ همسایه در ژانویه ۱۹۱۶ مجبور شد نیروی ژاندارمری را که دست به اقداماتی علیه انگلیسها در جنوب بود تضعیف کند به این معنی که نفرات آنرا از هفت هزار به سه هزار نفر تقلیل داده و وعده‌ای از افسران سوئدی و ایرانی را که به طرفداری از آلمان مشهور بودند برکنار نمود. به جای نیروی مزبور در شمال قوای قزاق و در جنوب نیرویی به نام تفنگداران جنوب ایران (۲) (پلیس جنوب) مرکب از هشت هزار نفر تحت نظر افسران انگلیسی تشکیل و مقرر شد در تمام مدت جنگ اسلحه و مهمات این دویرو به وسیله دولتهای انگلستان و روسیه تأمین شود و دولتین مزبور قبول کردند که ماهیانه مبلغ دویست هزار تومان بابت هزینه این قوا دولت به ایران بپردازند.

حکومت روسوفیل عین‌الدوله بیش از چهار ماه دوام نکرد و در مارس ۱۹۱۶ جای خود را به حکومت انگلوفیل میرزا حسین خان وثوق‌الدوله داد. در زمان نخست وزیری وثوق‌الدوله ژنرال سرپرسی سایکس (۳) انگلیسی فرمانده پلیس جنوب توانست در عرض هشت ماه کرمان و سیستان و بلوچستان و تقریباً کلیه نواحی جنوب ایران را از وجود عناصر آلمانی و طرفدار آنها پاک و مجدداً تحت سلطه و نفوذ بریتانیا درآورد و در سپتامبر ۱۹۱۶ به نیروهای قزاق ژنرال باراتوف که اسفهان را تصرف کرده بودند پیوستند. بعد از شکست عشایر تنگستانی و تصرف کامل ایالت فارس در ماههای اکتبر و نوامبر ۱۹۱۶، ژنرال سایکس به اتفاق عبدالحمین میرزا فرمانفرما والی آن ایالت وارد شیراز شد و نیروی ژاندارمری فارس را که آخرین هسته مقاومت در جنوب را تشکیل می‌داد خلع سلاح کرد. در ۲۱ مارس ۱۹۱۷ نیروی پلیس جنوب از طرف وثوق‌الدوله نخست وزیر طرفدار انگلستان به رسمیت شناخته شد.

از جانب دیگر قوای ترکان که در حدود بیست هزار پیاده نظام و سواره نظام و توپخانه بودند در تابستان ۱۹۱۶ همدان را تصرف و تا حدود قزوین پیشروی نمودند و این بار تهران در معرض تهدید نیروهای عثمانی قرار گرفت. در این موقع روسها به علت گرفتاریهای شدیدی که در جبهه جنگ در اروپا داشتند قادر به رساندن نیروی کمکی به ایران نبودند ولی ترکها نتوانستند از این موقعیت استفاده کنند و نه ترکها از همدان و نه طرفداران آلمان از جنوب توانستند به تهران حمله کنند و تا پایان سال ۱۹۱۶ تغییری در وضعیت نظامی طرفین رخ نداد. اما از ابتدای سال ۱۹۱۷ موقعیت به نفع متفقین تغییر کرد. به این معنی که انگلیسها که در آوریل ۱۹۱۶ در کورت العساره از نیروهای ترک شکست خورده بودند و در فوریه و مارس ۱۹۱۷ موفق شدند کورت و بغداد را مجدداً متصرف شوند و نیروهای ژنرال باراتوف هم حمله سختی به همدان و کرمانشاه کرد. در مقابل این حمله ترکها نتوانستند موقعیت نظامی خود را در ایران غربی حفظ نمایند و همان روزی که بغداد بدست انگلیسها افتاد آنها هم کرمانشاه را تخلیه کرده پس از دفاع سختی به قصر شیرین عقب نشستند و حکومت مهاجرین هم از کرمانشاه

به استانبول منتقل گردید.

در دوم آوریل ۱۹۱۷ نیروهای روسی وانگلیسی در کرمانشاه به یکدیگر پیوسته و آخرین افراد ترک را از ایران اخراج کردند اما در همین موقع خبر استعفای تزار روسیه نیکلای دوم که مقدمه اضمحلال امپراطوری روسیه بود منتشر شد و لذا قشون روسیه به سرعت شروع به عقب نشینی کرد و در مدت کوتاهی شیرازه نظام و انضباط در صفوف ارتش روسیه مقیم ایران از هم گسیخته شد و قبل از رسیدن فصل پاییز ارتش مزبور مضمحل گردید، ترکان عثمانی از این فرصت استفاده کرده و دوباره کرمانشاه و همدان و تبریز و قزوین را اشغال کردند و تا پایان جنگ در این مناطق باقی ماندند.

انقلاب روسیه و متلاشی شدن ارتش آن کشور - وقتی در ۱۶ مارس ۱۹۱۷ خبر استعفای تزار نیکلای دوم و امتناع برادرش گراندوک میشل از قبول امپراطوری و تشکیل حکومت موقتی در روسیه منتشر گردید میهن پرستان ایرانی غرق در شغف و سرور گردیدند و نمایندگان دوره سوم مجلس شورای ملی (که پس از واقعه مهاجرت منحل شده بود) طی تلگرافی به مجلس دومای روسیه خوشحالی ملت ایران را ازشنیدن خبر سقوط حکومت جابر و ستمگر تزاری اعلام و تبریک گفتند. در آن روزهای تیره و تار برق امیدی در آسمان گرفته ایران درخشید و مردم ستم دیده امیدوار بودند که بزودی دوران ظلم و ستم و زور گوئی به سر خواهد آمد. اما وقتی سیاست حکومت موقتی روسیه به ریاست پرنس لووف (۱) مبنی بر ادامه جنگ آلمان و اجرای تمهیدات دولت تزاری اعلام شد آزادیخواهان و وطن پرستان ایرانی دوباره دچار یأس و حرمان گردیدند.

در این موقع نیروهای روسی مقیم ایران به فرماندهی ژنرال باراتوف سراسر شمال و غرب ایران را در اشغال داشتند و در پادگانهای خود بدون حقوق و خرجی و مهمات مانده و دست به هیچ اقدامی نمی زدند. ترورهای متعددی که از طرف کمیته مجازات به عمل آمد و عده ای از طرفداران سیاست انگلستان به قتل رسیدند باعث شد که وثوق الدوله در ژوئن ۱۹۱۷ استعفا دهند و علاءالسلطنه که یک سیاستمدار معتدل طرفدار غرب بود یکبار دیگر به نخست وزیری برگزیده شد و یک حکومت وحدت ملی مرکب از رجال و نخست وزیران سابق که دارای حسن شهرت بودند تشکیل داد و مهمترین کاری که کرد این بود که شناسایی پلیس جنوب را پس بگیرد.

در ششم نوامبر ۱۹۱۷ حکومت کرنسکی (۲) که از ماه ژوئیه در روسیه بر سر کار بود به دست انقلابیون بلشویک ساقط گردید و دولت اتحاد جماهیر شوروی به ریاست لنین تشکیل شد. با انتشار این خبر قشون روسیه مقیم ایران یکباره متلاشی گردید و حتی پولی که انگلیسها در میان افران تقسیم می کردند نتوانست جلوتر فرقه آنان را بگیرد. افراد اسلحه خود را ریخته از سرحد ایران به موطن خود مراجعت می کردند. اینار مهماتی هم که در شرفخانه تأسیس کرده بودند به دست مردم افتاد و پادگان روسی رضائیه تمام اسلحه و مهمات خود را به رئیس مدرسه امریکائی آن شهر فروخت و مدیر مدرسه مزبور هم آسودیهای آن شهر را با این اسلحه مسلح کرده می خواست به کمک قوای انگلیس به بغداد برود. تفرقه قوای روس که در پاییز

۱۹۱۷ شروع شده بود در زمستان به حد کمال رسیده و قسمت عمده نیروهای تزاری شمال غرب ایران را تخلیه کردند.

انگلیسها برای این که راه بین بغداد و قزوین و گیلان را در دست داشته و در موقع لزوم بتوانند در خاک روسیه دست به اقداماتی علیه بلشویکها بزنند و ضمناً از پیشرفت عثمانیها در کردستان جلوگیری کنند همدان را مرکز ستاد علمیات خود در ایران قرار دادند. دولت ایران هم در این موقع قشونی نداشته که بتواند خلاء قاشی از تخلیه نیروهای روسی را پر کند طبق قرارداد برست لیتوسک (۱) که در سوم مارس ۱۹۱۸ بین دولت جدید روسیه و آلمان منعقد گردید روسها به طور یدک جانبه اقدام به انعقاد صلح با آلمان نموده و از صحنه جنگ که به جز فقر و فلاکت برایشان نتیجه‌ای نداشت خارج شدند. پیمان برست لیتوسک مقرر می‌داشت که ایران از قشون روسیه و عثمانی تخلیه شود و لذا بلافاصله بقایای نیروی روسیه در ایران هم به وطن خود بازگشتند و ساز برگ و مهمات خود را به ترکها فروختند.

در مقابل از هم پاشیدن خطوط دفاعی روسها بر ابر عثمانی و آلمان و اتریش انگلیسها تصمیم گرفتند ارمنه و گرجیها و ترکهای قفقاز را برای تحصیل استقلال تقویت و حمایت کنند تا شاید به این ترتیب و با کمک ملتهای مزبور بتوانند سدی در برابر بلشویکها به قفقاز اعزام کردند که ریاست آن با ژنرال دنسرویل (۲) بود، ژنرال نامبرده در ماه اوت ۱۹۱۸ ستاد خود را در باکو مستقر نمود.

در ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۸ عثمانیها حمله عمومی بزرگی به قفقاز نموده باکو را تصرف نمودند ولی در ۳۱ اکتبر مجبور به عقب نشینی شدند و دولت آذربایجان قفقاز که به جمهوری مساوات مشهور بود توانست مجدداً با کمک انگلیسها قد راست کند. در عین حال انگلیسها هینتی به آسیای مرکزی فرستادند تا مناطقی را که ارتش تزاری تخلیه کرده بود اشغال نمایند در تابستان ۱۹۱۸ دریادار نوریس یک بحریه کوچک انگلیسی در بحر خزر بوجود آورد و به طور خلاصه انگلیسها در همه جا به دنبال میراث دولت تزاری بودند تا آنچه را که دولت مزبور در عرض چند قرن با زور و قوه قهریه تصرف کرده بود یکباره و به آسانی مالک شوند و در عین حال با تسخیر مناطق سوق الجیشی یک حلقه دفاعی در اطراف دولت نو بنیاد اتحاد جماهیر شوروی که هنوز سرگرم جنگهای داخلی بود به وجود آوردند و به همین جهت شروع به دادن اسلحه و پول به ژنرالهای تزاری نمودند.

در ۲۱ مارس ۱۹۱۸ صمصام السلطنه که مجدداً به نخست وزیری رسیده بود بخشنامه‌ای جهت سفارتخانه‌های خارجی مقیم تهران فرستاد و به استناد این که دولت روسیه تزاری که اساس کاپیتولاسیون به موجب قرارداد ترکمان جای با او بوده دیگر وجود ندارد کاپیتولاسیون را ملتی اعلام کرد. دولت انگلستان طی یادداشتی پس از تذکره به این که استقلال ایران را بطور دائم جلوگیری از ورود جاسوسان دشمن حفظ نماید و پلیس جنوب را تا پایان جنگ به رسمیت بشناسد و در مقابل وعده داد به دولت ایران کمک مالی نموده و قرارداد ۱۹۰۷ را ملفی نماید. دولت ایران جواب داد انگلستان با اعزام نیرو به ایران مساعی این دولت را

در حفظ بی طرفی خود کاملاً بیهوده ساخته است. به علاوه پلیس جنوب يك نیروی خارجی است که تهدیدی به استقلال ایران به شمار می رود و بهتر است که انگلستان ایران را تخلیه نموده به حال خود واگذار کند تا بتواند به اصلاحات داخلی بپردازد. این پاسخ سریع و شجاعانه باعث شده که سمعاً السلطنه بدون آنکه استعفا دهد مجبوره کناره گیری گردید و یکبار دیگر وثوق الدوله که مورد حمایت لرد کرزن بود در ۵ اوت ۱۹۱۸ به نخست وزیر رسید تا نقشه های جدید را که انگلیسها برای ایران کشیده بودند به موقع اجرا گذارد.

در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ بدون آنکه هیچگونه شکستی به نیروهای نظامی آلمان در جبهه جنگ وارد شده باشد و به علت استنکاف مردم آن کشور از ادامه جنگ انقلابی در آلمان رخ داد و قیصر ویلهلم دوم مجبوره استعفا گردید و حکومت جدیدی که بر سر کار آمده بود تقاضای متارکه جنگ نمود. به دنبال شکست آلمان سایر متحدین آن کشور یعنی امپراطوری اتریش مجارستان و عثمانی و بلغارستان هم تسلیم شدند و جنگ بزرگی که مدت چهار سال به طول انجامیده و میلیونها نفر تلفات آن بود پایان یافت و انگلستان فاتح اصلی جنگ شروع به اجرای نقشه هایش در خاور میانه و ایران نمود.

اعدام وزیر مختار شوروی در ایران - دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
 بلافاصله پس از تأسیس تمایل خود را به الغاء کلیه حقوق و امتیازات روسیه تزاری در ایران اعلام کرد و دولت ایران طی یادداشت مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۱۷ که به وسیله اسدخان اسد بهادر کاردار ایران در آن کشور تسلیم مقامات شوروی گردید به صورت دوفاکتو دولت جدید را به رسمیت شناخت و به این ترتیب از جمله نخستین کشورهای در آمد که اقدام به شناسایی دولت شوروی نمودند. در مقابل دولت شوروی طی اعلامیه ۴ فوریه رسماً الغای کلیه امتیازات و حقوق دولت روسیه تزاری را که به طور جابجانه و به زور از دولت ایران اخذ شده بود منجمله قرارداد ۱۹۰۷ را اعلام کرد و بر اوین (۱) کنسول تزاری در خوی را که به رژیم انقلابی پیوسته بود نماینده مختار خود در ایران اعلام نمود ولی برای او استوارنامه نفرستادند و بر اوین با در دست داشتن روزنامه ای که خیر انتصاب وی در آن درج شده بود به تهران آمد و آن را به عنوان استوارنامه ارائه داد و چون سفارت روسیه در تهران در اختیار روسهای سفید بود و اتور وزیر مختار سابق حاضر نشد سفارتخانه را به او تحویل دهد در یک هتل اطاقی اجاره کرد و در چم سرخ را بر فراز آن برافراشت.

بر اوین در روزنامه ها ورود خود را به سمت وزیر مختار دولت شوروی اعلام و آمادگی خود را برای انعقاد قراردادی مبنی بر واگذاری کلیه مطالبات و امتیازات سابق و الغای کاپیتولاسیون آگهی کرد. اما کابینه مستوفی الممالک که در این موقع بر سر کار بودند نمی توانست با این سفیر بدون استوارنامه وارد مذاکره شود و انگهی در داخل روسیه هم جنگهای داخلی به شدت در جریان بود و نیروهای سفید از طرف نو بنیاد شوروی را مورد حمله قرار داده بودند و اوضاع آن کشور به هیچوجه روشن نبود لذا دولت ایران با این نماینده وارد مذاکره نشد و بر اوین بدون حصول نتیجه در اوایل بهار ۱۹۱۸ تهران را ترک نمود و عازم افغانستان شد و در غزنین به قتل رسید.

در سال ۱۹۱۹ دولت شوروی توانست تا حدودی بر ژنرالهای ضد انقلابی فائق شود و قدرت مرکزی را در آن کشور مستقر سازد و آنگاه باز به فکر تجدید روابط با ایران افتاد در ۲۶ ژوئیه ۱۹۱۹ سفیر دیگری از طرف دولت شوروی به نام کولومیتسوف (۱) به ایران آمد و طرح قراردادی در ۱۶ ماده راهمراه داشت که در آن تمام وعده‌های لنین مبنی بر الغای امتیازات روسیه تزاری و الغای کاپیتولاسیون و بخشودن قروض و تحویل راهها و خطوط آهن و ساختمانهای بندری قید شده بود. کولومیتسوف طرح مزبور را به وزارت امور خارجه ایران تسلیم کرد و آمادگی خود را برای انعقاد پیمان دوستی بین دو کشور اعلام نمود. اما وثوق الدوله که مسئول مذاکره با انگلیسها درباره انعقاد قرارداد دیگری بود اهمیتی برای سفیر شوروی قائل نشده و حاضر به مذاکره با وی نگردید. در این موقع اتر و وزیر مختار دولت تزاری در تهران نیز بیانیه‌ای صادر کرد و خود را تنها نماینده قانونی دولت روسیه شمرد. کولومیتسوف هم در جواب نمایندگان رژیم سابق را فاقد اختیار خواند نامید. وثوق الدوله دستور داد کولومیتسوف را دستگیر نموده به قزاقهای ضد انقلابی که در خدمت دولت ایران بودند تسلیم کردند و قزاقها وزیر مختار شوروی را دسرسی تبر باران نمودند. این اقدام کابینه وثوق الدوله باعث عصیانیت شدید زمامداران شوروی گردید و در سپتامبر ۱۹۱۹ سفارت ایران در مسکو را تعطیل و اسد بهادر کاردار ایران را مدتی بازداشت و سپس از خاک شوروی اخراج نمودند و روابط بین دو دولت عملاً قطع شد.

تقاضاهای ایران از کنفرانس صلح ورسای - دولت ایران که در اثر جنگه
بین المللی دچار خسارات و صدمات فراوانی شده بود هنگامی که کنفرانس صلح در ژانویه سال ۱۹۱۹ در قصر ورسای فرانسه تشکیل شد تصمیم گرفت نمایندگان اعزام و خواسته‌های خود را به اطلاع دول فاتح برساند. هیئت نمایندگی ایران به ریاست مشاود الملک انصاری وزیر امور خارجه و در معیت ذکاء الملک فردی رئیس دیوان عالی کشور و همپا فرانسه گردید. اما دولت انگلستان به عنوان این که ایران رسماً بی طرف بوده و در جنگ شرکت عملی نداشته است تا بتواند در کنفرانس صلح شرکت کند از پذیرش هیئت نمایندگی ایران جلوگیری کرد جورج لانسینگ (۲) وزیر امور خارجه آمریکا که متوجه حقانیت ایران شده بود مساعدی زیادی برای پذیرفتن نمایندگان ایران به کار برد ولی انگلیسها به هیچوجه حاضر به تغییر عقیده خود نشده و موصراً با این موضوع مخالفت کردند.

هیئت نمایندگی ایران که از ورود به کنفرانس مأیوس شده بود دعای خود را در جزوهای انتشار داد که در سه قسمت سیاسی - قضائی و اقتصادی تقسیم شده بود. در سرلوحه قسمت اول تنازای الغاء فوری قرارداد ۱۹۰۷ - انحلال گارد و مستحفظین کنسولگریهای خارجی الغاء کاپیتولاسیون و محاکم کارگذاری مربوط به جرائم خارجیان در ایران قرارداد داشت. در قسمت دوم دولت ایران تقاضا داشت سرحداتش به حدود ایام گذشته برگردد و سرزمینهایی که در طی قرن نوزدهم به زور از این کشور جدا شده بود مسترد گردد به این معنی که ایالات مرو و خیوه در ترکستان به ایران پس داده شود و رود جیحون سرحد شمالی ایران شناخته شود. در قفقاز

نیز هدفه شهری که طی دودوره جنگهای ایران و روسیه از ایران منتزع شده بود مسترد گردد و در غرب هم ولایات کردستان و موصل و دیاربکر ضمیمه خاک ایران گردیده و در دفرات سرحد غربی ایران تعیین شود. در قسمت سوم ادعای غرامت و جبران خساراتی که نیروهای دول متخاصم طی دوره جنگ به ایران وارد کرده بودند شده بود.

پس از انتشار این جزوه هئیت نمایندگی ایران امیدوار بود که به خواسته‌های حقه این دولت ترتیب اثری داده شود ولی در اثر مخالفت شدید انگلستان کنفرانس ورسای این تقاضاها راندا دیده گرفت و کابینه و ثوق الدوله هم آن طور که باید و شاید از مشاور الممالک پشتیبانی نکرد و لذا مأموریت این هئیت مواجه باشکست شد. علت عمده مخالفت انگلستان با تقاضای دولت ایران قراردادی بود که با وثوق الدوله مشغول تدوین و تهیه اش بودند و به منزله خاتمه استقلال ایران به شمار می‌رفت.

قرارداد وثوق الدوله - کاکس - در این هنگام دولت انگلستان فاتح جنگ و مقتدرترین امپراطوری دنیا به شمار می‌رفت و نیروهای آن تقریباً سراسر ایران و خاور میانه و قفقاز و ترکستان را تحت تصرف داشتند. با سقوط دولت تزاری که بزرگترین رقیب انگلستان در مبارزات مستمر اتسی به شمار می‌رفت دیگر نیرویسی که بتواند در برابر تمایلات آن دولت مقاومت کند وجود نداشت. دولت شوروی هم سرگرم جنگهای داخلی با قوای ضد انقلاب بود و در نتیجه نمی‌توانست مانعی در برابر نقشه‌های جهانگیری انگلستان ایجاد کند. انگلیسها در درجه اول به تقویت جمهوریهای ضد کمونیست قفقاز پرداختند و با کمک مسیون نظامی ژنرال دنسترویل نیرویی در کشورهای سه گانه ماز بوریه وجود آوردند تا در صورت لزوم بتواند با ارتش سرخ وارد جنگ شود. به راهنمایی انگلیسها دولت جمه‌وری مساوات آذربایجان اقدام به تأسیس روابط سیاسی با دول خارجی کرد و ایران آنها در اوت ۱۹۱۹ و ترکها در ژانویه ۱۹۲۰ دولت مزبور را به رسمیت شناختند. در پانز ۱۹۱۹ هیئت سفارتی به ریاست سید ضیاءالدین طباطبائی مدیر روزنامه رعد به باکو پایتخت دولت آذربایجان روانه گردید که زمینه را برای انعقاد قرارداد مودت و همکاری بین دولتین فراهم کند تا بعد به ارمنستان و گرجستان برسند.

در عین حال انگلیسها با وثوق الدوله بطور محرمانه وارد مذاکره راجع به انعقاد قراردادی بین دو کشور شدند که شابهت بسیاری به قرارداد تحت الحمایگی داشت. به موجب این قرارداد که در ۹ اوت ۱۹۱۹ در تهران به امضای وثوق الدوله و سرپرستی کاکس وزیر مختار انگلیس رسید نظارت بر کلیه تشکیلات نظامی و مالی ایران منحصرأ در دست مستشاران انگلیسی قرار می‌گرفت و در مقابل دولت انگلستان استقلال و تمامیت ارضی ایران را به رسمیت می‌شناخت و متعهد می‌شد قرضه‌ای به دولت ایران بدهد و خسارات مادی وارده به این کشور در زمان جنگ را جبران نماید و در احداث راه آهن و تجدید نظر در تعرفه گمرک کی یک جانبه اقدام کند.